■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
با نیکویی اخلاق، زندگی خوش می شود.

■اذان ظهر: ۱۱:۵۹ ■غروب آفتاب: ۱۶:۵۲
■اذان مغرب: ۱۷:۱۲ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۴
■اذان صبح فردا: ۵:۳۷ ■طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۷

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

■یکشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۴ ■سال سی‌وسوم ■شماره ۹۵۶۳

همشهری

سرمایه گذاری برای تولید

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

حافظ
غیر از این نکته که حافظ ز تو ناخشنود است
در سراپای وجودت هنری نیست که نیست

صفحه آخر

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■مدیر: حسین لطفی
■دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند
گزارش:
■مدیر: فهیمه طباطبایی

سرزمین من:
■مدیر: سیده زهرا عباسی
■دبیر: زهرا رفیعی
تندرستی:
■مدیر: جواد نصرتی
■دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی

جامعه:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■دبیر: عیسی محمدی
سرگرمی:
■دبیر: فرزام شیرزادی
طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

■سردبیر آنلاین: سید مجتبی صادقی
■معاونان آنلاین: کامران بازنجی، حامد فوقانی
■مدیر محتوای تلویزیون: اسماعیل سلطنت‌پور
■مدیر چندرسانه‌ای: زهراسادات بهشتی
■مدیر پخش زنده: امیرحسین محمددوست
■مدیر تولید تلویزیون: الهه‌سادات بهشتی
■مدیر فضای مجازی: محمدحسین امیری

حال خوب

درس‌هایی از یک فاجعه

اخیرا رسانه بی‌بی‌سی گزارشی منتشر کرده با عنوان «تنها بازمانده سقوط هواپیما». اما ماجرا چیست؟ سال‌ها پیش هواپیمایی در ویتنام سقوط کرد که همه سرنشینان آن جان سپردند، جز یک خانم. این گزارش، روایت زندگی و زنده‌ماندن این خانم است که حالا تجربه‌های خودش از آن ماجرا و اینکه چه درس‌هایی از آن گرفته را نقل می‌کند.

نام این خانم آنت هرفکینز است که در سال ۱۹۹۲ از حادثه سقوط هواپیما در ویتنام جان سالم به در برد. او یک سرمایه‌گذار هلندی بود که همراه نامزدش قصد داشت برای ماه‌عسل به ویتنام سفر کند. مقصد آنها یک ساحل تفریحی چشم‌نواز بود. در مسیر پرواز، مابین شهر هوشی‌مین و ساحل ناها ترانگ، هواپیما در شرایط نامساعد جوی به کوهی خورد و به اعماق جنگل‌های فشرده سقوط کرد. آنت، ۸روز در جنگل با شکستگی‌های پا و لگن و مشکلات ریه و... درحالی که داشت آب بدنش را هم از دست می‌داد، توانست زنده بماند. زخمی بزرگ در پایش هم ایجاد شده بود که از میان آن می‌توانست استخوانش را ببیند و حشرات کم‌کم داشتند دور و بر آن جمع می‌شدند. اما او آموخت که کم‌کم با تمرکز بر تنفس و زمان حال، از فکر کردن به غم ازدست‌دادن شریک زندگی‌اش و موضوعاتی چون حمله درندگانی چون ببر در جنگل، دور بماند و زنده بماند. آنت از این واقعه تلخ درس‌های بزرگی گرفت که شاید برای خیلی از ما که حس می‌کنیم در اوج رنج هستیم، کارگشا باشد:

■ زیبایی زندگی را حتی در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شود پیدا کرد.
■ پس از این سانحه، جنگل برای من امن‌ترین جا شد، پس چیزی که باعث رنج شماست می‌تواند باعث امنیت شما هم بشود.
■ وقتی همه سرنشینان مردند و احساس تنهایی کردم، به جای وحشت، وضعیت را پذیرفتم و آرام شدم.
■ دریافتم زنده‌بودن و حریف چنین وضعیتی‌شدن شگفت‌آور و بی‌نظیر است.
■ وقتی آنچه داری را بپذیری و از نگرانی برای آنچه نداری دست برداری، زیبایی پدیدار می‌شود...

سوژه روز

فشرده‌ترین نقطه مسکونی جهان

سانتا کروز دل‌ایسلوت، جزیره‌ای کوچک در مجمع‌الجزایر سن برناردو در کشور کلمبیاست که تنها ۰.۰۱۲ کیلومترمربع مساحت دارد، تقریباً به اندازه دو زمین فوتبال؛ اما بیش از ۱۲۰۰ نفر در آن زندگی می‌کنند. این جزیره که بر بستری از دریا و صخره‌های مرجانی شکل گرفته، تا قرن نوزدهم خالی از سکنه بود. در آن زمان، ماهیگیران آفرو-کلمبیایی برای صید به این منطقه می‌آمدند و به‌تدریج در آن ساکن شدند. طی دو قرن، این سکونتگاه کوچک به یکی از فشرده‌ترین نقاط مسکونی جهان تبدیل شد. با اینکه برخی از ساکنان تعداد جمعیت را حدود ۹۰۰ نفر می‌دانند، حتی این رقم نیز برای چنین فضای کوچکی بسیار بالاست. در حال حاضر، حدود ۱۱۵ خانه در این جزیره وجود دارد که بسیاری از آنها به‌دلیل کمبود فضا، به‌صورت چندطبقه ساخته شده‌اند. این رشد عمودی، نگرانی‌هایی درباره ایمنی سازه‌ها و آینده سکونت در جزیره ایجاد کرده است. شهرت سانتا کروز دل ایسلوت به‌عنوان متراکم‌ترین جزیره جهان، گردشگران زیادی را جذب کرده است. اما ساکنان محلی از اینکه مانند حیوانات در قفس مورد تماشا و عکاسی قرار بگیرند، ناراضی‌اند. به همین دلیل، بازدید از جزیره برای گردشگران هزینه‌بر شده تا ساکنان نیز از این بازدیدها بهره‌مند شوند. با وجود چالش‌هایی چون کمبود فضا، فقر و نیاز به واردات هفتگی آب آشامیدنی از سرزمین اصلی، ساکنان جزیره حاضر به ترک خانه‌های خود نیستند. آنها از نبود جرم و جنایت و آرامش ناشی از نبود خودرو در جزیره سخن می‌گویند. سانتا کروز دل ایسلوت نمونه‌ای نادر از همزیستی فشرده انسانی در دل طبیعت است که با وجود محدودیت‌ها، حس تعلق و همبستگی اجتماعی در آن موج می‌زند.

عزت ایران چشم دنیا را گرفت

دفاع ۱۲روزه علیه اسرائیل و آمریکا، نگاه به ایرانی‌ها را عوض کرده است

چه بخواهیم و چه نخواهیم، نگاه مردم و جوامع دیگر برای ما، اگر نگوییم تعیین‌کننده، ولی همیشه جذاب بوده است. اینکه بدانیم دیگران نسبت به ما چه نگاهی دارند، چه واکنشی نشان می‌دهند و اصلا ما را دوست دارند یا نه. به همین دلیل است که محتواهایی از این دست، معمولا بازخوردها و بازدیدهای خوبی پیدا می‌کنند، مثل ویدئویی از یک توریست ایرانی که راهی افغانستان شده و بین او و نیروهای طالبان گفت‌وگویی شکل می‌گیرد. طبیعتا همه انتظار داریم که توریست ایرانی را زیاد تحویل نگیرند، اما جدا از برخورد قابل‌قبولی که دارند، نگاهشان به ایران خیلی جالب‌تر است؛ نگاهی که متأثر از دفاع‌مقدس ۱۲روزه ایران علیه ائتلاف غربی به نمایندگی اسرائیل است. موشک‌باران شهرها و نقاط حیاتی اسرائیل و در روزهای آخر موشک‌باران بزرگ‌ترین پایگاه آمریکا در منطقه، شجاعتی می‌طلبد که هر کسی ندارد. به همین دلیل وقتی ایران دست‌تنها اقدام به چنین کاری کرد، تحسین دیگر جوامع را برانگیخت. بعد از دفاع ۱۲روزه ایران شاهد بودیم که مردم دیگر کشورها از نمادهایی استفاده می‌کردند که اشاره به موشک‌های ایرانی و دفاع ایران و... داشت. در گزارش زیر به برخی از این بازخوردها نگاهی می‌اندازیم.

قطر

شگفت‌زده از مقاومت

«بچه‌ها سلام، من تو فرودگاه قطرم. کاش شما هم بودین و شریک می‌شدین توی این خوشحالی‌ای که من دارم. هر که اینو (پرچم ایران رو تی‌شرت) می‌بینه، خداوکیلی لایک می‌ده. اصلا نمی‌دونم چندچنده داستان. یعنی مو به تنم صاف شده. چی کار کردن ایرانی‌ها. دم‌تون گرم...» این ویدئو هم ۵ماه پیش در فضای مجازی منتشر شد و دست‌به‌دست چرخید. ماجرای یک ایرانی با تی‌شرت سبز که دارد فیلمی از خودش ضبط می‌کند. او در این فیلم اشاره می‌کند که وقتی متوجه می‌شدند او ایرانی است، چقدر تحویلش می‌گرفتند و خودش نیز از این تحویل گرفتن دیگران حسابی شگفت‌زده شده بود.

عربستان سعودی

خیبر، خیبر فروشنده‌های سعودی

مسئول ارائه خدمات یکی از کاروان‌های زیارتی حج که در اواخر اردیبهشت و با نخستین کاروان‌ها راهی عربستان شده و تا حرکت آخرین کاروان نیز آنجا مانده بوده، ماجرای جالبی روایت می‌کند: «روزهای اول که اسرائیلی‌ها شدیدا حمله می‌کردند، به بازار که می‌رفتیم فروشنده‌های سعودی خیلی مسخره‌مان می‌کردند، با تمسخر می‌گفتند ایرانی، ایرانی! هم نگران مملکت بودیم، هم نگران خانواده‌هایمان که ایران بودند و هم این کارشان خیلی ما را اذیت می‌کرد. وقتی موشک‌باران ایران شدت گرفت، قصه برگشت. وقتی می‌رفتیم جور دیگری به ما نگاه می‌کردند؛ مدام خیبر، خیبر می‌گفتند و به ما افتخار می‌کردند و با دست موشک‌ها را نشان می‌دادند؛ واقعا تفاوت رفتارشان برایمان خیلی جالب بود...»

ترکیه

ایرانی‌ها برعکس عمل کردند

این قضیه را هم یک ایرانی تعریف کرد و ویدئوی آن بسیار چرخید، هم کارشناسان شبکه سی‌ان‌ان ترک ترکیه بر آن صحه گذاشتند. این هموطن می‌گفت وقتی در مرز ترکیه بودیم، خبرنگاران ترک آمده بودند تا از فرار ایرانیان از داخل کشور به سمت ترکیه گزارش‌هایی تهیه کنند. جالب اینکه حتی یک‌مورد فرار ایرانی از داخل به خارج ندیدند؛ اما کلی ایرانی دیدند که صف کشیده بودند تا وارد کشور شوند و این برایشان خیلی عجیب بود! کارشناس ترک نیز در برنامه‌ای که دراین‌باره منتشر شده بود، گفت: «دوستانی که در ایغدیر در مرز ایران هستند می‌گویند پس از آغاز جنگ، برعکس سایر کشورها، ایرانیانی که در خارج از کشور بوده‌اند به کشور بازمی‌گردند و کسی از ایران خارج نمی‌شود.»

افغانستان

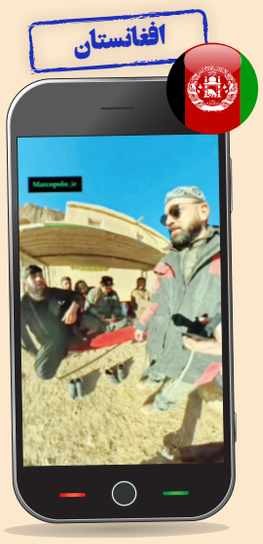

آمریکا کاری نمی‌تواند بکند!

یکی از ویدئوهایی که این روزها در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود، ویدئوی یکی از گردشگران ایرانی است به نام سروش که ۳۹سال دارد و می‌خواهد با موتورسیکلت از طریق مرز زمینی وارد کشور افغانستان شود. در این ویدئو مرزبان افغان بعد از خوش‌وبش‌های اولیه و استقبال از او اینطور می‌گوید که «وقتی رفتی ایران، به مقام‌های بلندپایه بگو ۵ تا ۶هزار موشک به ما بدهند تا ما با اینها اسرائیل را هدف قرار دهیم... و کاری می‌کنیم تا اسرائیل از نقشه پاک شود.» و وقتی گردشگر ایرانی از او می‌پرسد که اگر اسرائیل هم به شما حمله کند، شما چه می‌کنید، مرزبان با جسارت پاسخ می‌دهد: «بزنه! آمریکا زد چه کار کرد؟»

عراق

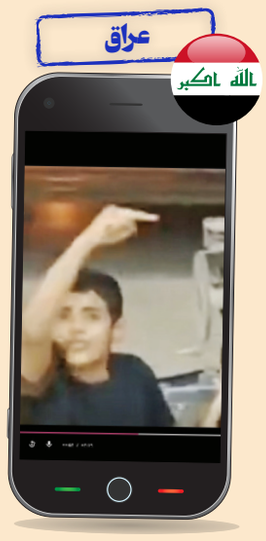

شجاعت ایرانی‌ها ما را سربلند کرده

در راهپیمایی اربعین نیز استقبال عراقی‌ها از ایرانی‌ها پرشورتر شده بود. بعد از جنگ ۱۲روزه، ویدئویی در شبکه‌های مجازی از پیرمردی عراقی دست‌به‌دست شد که آن را به نماد موضع‌گیری عراقی‌ها در برابر اصابت موفق موشک‌های ایرانی به اسرائیل تبدیل کرد. در این ویدئو وقتی مهمان ایرانی، دلیل استقبال متفاوت این روزهای عراقی‌ها را جویا می‌شود، مرد عراقی می‌گوید که چون شجاعت ایرانی‌ها این‌روزها آنها را هم سربلند کرده. در این ویدئو حتی کودکان عراقی هم با حرکت دست و انگشتان خود، شکل موشک‌های ایرانی را نشان می‌دهند که به اسرائیل اصابت کرد. بچه‌های عراقی وقتی در طول مسیر اربعین پرچم ایران را می‌دیدند با دستان خود، ادای پرتاب موشک‌های بالستیک را درمی‌آوردند.

تونس

بزرگ‌ترین خیابان در غرب آسیا به طول ۱۸ کیلومتر در تهران قرار دارد.(ولیعصر)

افتخار ایرانی از نگاه هنرمند تونسی

یکی دیگر از ویدئوهایی که بینندگان فراوانی پیدا کرد، برشی از یک مسابقه تلویزیونی در تونس است که میلیون‌ها بیننده دارد. در این برنامه، یکی از هنرمندان تجربه سفر خود به ایران در مدت جنگ ۱۲روزه را تعریف می‌کند که دیدنی و شنیدنی است. او می‌گوید: «وقتی (در حین جنگ ۱۲روزه) در تهران بودند، دیدم که مردم به فعالیت‌های روزمره خود مشغولند، همه‌چیز طبیعی بود. بمباران ادامه داشت اما مردم ایران واقعا شجاع و قدرتمند بودند. جامعه ایران واقعا یک جامعه بسیار پیشرفته است و جوانان و نوجوانان ایرانی و نسل‌های جدید بسیار پیشرو و کاملا به‌روز و آزادانه زندگی می‌کنند و به‌نظر من ایران کشوری متمدن و از نظر علمی و صنعتی توسعه‌یافته است... این پیشرفت‌ها به برکت همان محاصره و تحریم‌های مداوم است که آنها را مجبور کرده‌است به کشوری بی‌نظیر در ثبت رکوردهای مختلف تبدیل شوند. اینها چیزی است که خودم به چشم خودم دیدم...»

نگاه

بازگشت گران به تنظیمات کارخانه!

چرخه مد، این‌بار شوخی تلخی با چهره‌ها کرده است. تا همین چند وقت پیش، صندلی مطب‌های زیبایی مجالی برای خالی شدن نداشت و صف‌های طولانی برای تزریق ژل و فیلر عمل‌های جراحی، حکایت از تب تند تغییر می‌داد. همه می‌خواستند با گونه‌های برجسته و لب‌های حجیم، شبیه الگوهای یکسان فضای مجازی شوند. اما حالا ورق برگشته است؛ همان صف‌ها پابرجاست، اما نیت‌ها ۱۸۰ درجه تغییر کرده است. امروز بسیاری از مراجعان در نوبت ایستاده‌اند تا پول خرج کنند که دوباره شبیه خودشان شوند.

آمارهای غیررسمی و گزارش‌های میدانی در برخی کشورهای جهان از کلینیک‌های زیبایی، واقعیتی تأمل‌برانگیز را نشان می‌دهند که غالبا کسانی که پیش‌تر زیر سوزن زیبایی رفته‌اند، حالا دچار پشیمانی شده و متقاضی تخلیه ژل، تزریق آنزیم و بازگشت به چهره طبیعی هستند. گویی موج «نچرال بودن» دوباره مد شده و چهره‌های اغراق‌شده، جذابیت کاذب خود را از دست داده‌اند.

این ماجرا، تراژدی پرهزینه‌ای برای شهروندان و تجارتی پرسود برای بازار زیبایی است. صورت انسان‌ها عملا به دفتر نقاشی جراحان تبدیل شده که مدام روی آن طرحی می‌کشند و سپس پاک می‌کنند. یک روز میلیون‌ها تومان هزینه می‌شود تا چهره از حالت طبیعی خارج شود و مدتی بعد، مبالغی سنگین‌تر پرداخت می‌شود تا با تحمل درد و عوارض، همان چهره به تنظیمات کارخانه برگردد. تفاوت خطرناک مد امروز با گذشته در این است که پیش‌تر، تغییرات در لباس و رنگ مو خلاصه می‌شد که اصلاحش آسان بود؛ اما حالا مد به بافت زنده بدن و آناتومی صورت نفوذ کرده است. قربانیان این مدهای زودگذر، حالا با پوست‌هایی که قوام خود را از دست داده‌اند و جیب‌هایی که برای خریدن و پس‌دادن زیبایی خالی شده، در پی یافتن چهره گمشده خود هستند. کاش پیش از هر تزریقی به یاد بیاوریم که لبخند واقعی روی صورتی که هویت دارد، بسیار دلنشین‌تر از لبخندی است که روی نقابی عاریه‌ای و موقت نقش بسته است.

عکس خانه

قاب جادویی برف

اینجا جاده چالوس است؛ یکی از جاده‌های نوستالژیک شمال ایران که حالا با نخستین بارش برف پاییزی، نه شبیه یک مسیر عبوری، بلکه مانند یک تابلوی نقاشی سوررئال و خیره‌کننده شده است. در این قاب تماشایی، تضاد عجیب و چشم‌نوازی برپاست؛ در یک‌سو، دیواره‌های سنگی و صخره‌های سخت و قهوه‌ای‌رنگ با صلابت ایستاده‌اند و گرمای رنگشان را به رخ می‌کشند و درست در سوی دیگر، جنگلی انبوه که زیر بار سنگین برفی یکدست و تازه، سر خم کرده و منظره‌ای شبیه به دالان‌های افسانه‌ای قصه‌ها ساخته است. شاخه‌های درهم‌تنیده درختان که تا همین دیروز میزبان خش‌خش خزان بودند، حالا مثل توری‌بافی‌های ظریف کریستالی در سکوت سنگین برف فرو رفته‌اند.

ماشین‌ها در این مسیر لغزنده اما رویایی، آهسته‌تر از همیشه می‌رانند؛ گویی رانندگان هم دلشان نمی‌آید به سرعت از این ضیافت سرما بگذرند؛ مسافرانی که شاید به هوای تماشای آخرین روزهای خزان به دل جاده زده بودند، حالا در حاشیه مسیر توقف کرده‌اند تا نخستین تنفس عمیق زمستانی سال را در ریه‌هایشان ذخیره کنند.